

درباره سریال «صبح آخرین روز» که سعی کرده است به زیست و زمانه شهید شهرداری نزدیک شود

نیمه پنهان آقامجید



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

عکسی را در صفحه چند میلیونی شان گذاشته‌اند و با زبان عبری نوشته‌اند که ما مردم اسرائیل، با فلسطینی‌ها مشکلی نداریم و کنار هم زندگی می‌کنیم! اما کامنت‌هایی که برای این عکس گذاشته شد، آنقدر جالب است که نشان می‌دهد دیگر همه دنیا نسبت به مساله فلسطین آگاهند و گول بازی‌های رسانه‌ای این رژیم کودک‌کش را نخواهند خورد. دارد می‌شود یک ماه که اوضاع فلسطین و مردمش خوب نیست. اما این بار برای مردم دنیا مشخص بود که رژیم صهیونیستی چه جنایت‌هایی را در حق مردم فلسطین انجام داده است و برای‌شان مثل روز روشن و مشخص بود که مردم فلسطین در حال دفاع هستند. حالا این موضوع را بگذارید در کنار جنایت‌های دیگری که این رژیم انجام داده است. ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی یکی دیگر از این جنایت‌ها است که هیچ‌وقت از کارنامه رژیم صهیونیستی پاک نخواهد شد. به بهانه سریال «صبح آخرین روز» که براساس زندگی شهید مجید شهرداری ساخته شده است، نگاهی داشتیم به تورهایی که رژیم صهیونیستی در ایران انجام داده و مسئولیت آن را به عهده گرفته است. آنها خیلی راحت بعد از انجام کارهایشان، سوار بر موج رسانه‌ای قوی پیش می‌روند و مدعی این می‌شوند که ما برای حفظ جان‌مان این توره‌ها را انجام می‌دهیم. درحالی که اگر بتوانیم با ساخت سریال و فیلم‌های سینمایی، درمقابل کار آنها از مظلومیت و اهداف بزرگ دانشمندان مان بگوییم، مردم دنیا هرچه بیشتر با جنایت‌ها و قساوت‌های این رژیم آشنا خواهند شد.



لیست ترور

مجید شهرداری

تاریخ شهادت: ۸ آذرماه ۱۳۹۸



مجید شهرداری استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی و دانشمند هسته‌ای بود که فعالیت‌های زیادی هم در این زمینه انجام داده بود. او صبح روز ۸ آذرماه سال ۱۳۹۰ هنگامی که همراه راننده و همسرش با ماشین به سمت محل کار می‌رفتند، مورد سوء قصد قرار گرفت. پس از طی ۶۰۰ متر، در بزرگراه ارتش یک موتورسیکلت به ماشین او نزدیک شده و بمبی را به در سرنشین خودرو متصل می‌کند و سرعت می‌گیرد و دور می‌شود که در همین حین فریاد همسر و راننده وی را از بمب مطلع می‌کند. راننده و همسر او از ماشین پیاده می‌شوند و همسر او به سرعت به سمت در سرنشین خودرو می‌رود تا وی را از خودرو خارج کند، اما او به خاطر گیر کردن کمر بند ایمنی نمی‌تواند در زمان کوتاه از ماشین خارج شود و بمب روی در خودرو و در صورت همسر او منفجر می‌شود، همسر او مجروح و شهرداری به شهادت می‌رسد.

محسن فخری زاده

تاریخ شهادت: ۲۷ آذرماه ۱۳۹۹



معاون وزیر دفاع بود و ریاست سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی را برعهده داشت. درحال کار روی واکنس کرونا هم بود و زمان زیادی را برای این موضوع گذاشت و در نهایت ۷ آذرماه سال گذشته در شهر آسپرد شهرستان دماوند ترور شد. در جریان این ترور در میدان خلیج فارس شهر آسپرد، ابتدا یک خودروی نیسان کنار خودروی شهید فخری زاده منفجر شده و بعد از آن شخصی [با مشخصاتی] دیگر از داخل یک خودرو در سمت دیگر خیابان خودروی حامل این شهید را به رگبار بستند. دوازده روز بعد از این ترور، روزنامه نیویورک تایمز، گزارشی را از قول سه فرمانده آمریکایی منتشر کرد که عنوان کرده بودند: «اسرائیل پشت این حمله است.»

مصطفی احمدی روشن

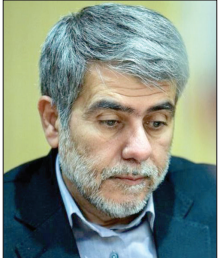
تاریخ شهادت: ۲۱ دی ماه ۱۳۹۰



مصطفی احمدی روشن معاون بازرگانی سایت هسته‌ای نظنز بود. صبح روز ۲۱ دی ماه وقتی از خانه خارج شد، موتورسیکلتی با چسباندن بمبی روی ماشینش، او را ترور کرد. روتن برگمن، نویسنده اسرائیلی در کتاب «برخیز و بی‌درنگ اواربکش» ترور شهید مصطفی احمدی روشن توسط موساد را تایید کرد و به گفته او این ترور به قصد ایجاد رعب و وحشت در میان دانشمندان هسته‌ای ایران انجام شده بودند.

فریدون عباسی

تاریخ ترور ناموفق: ۸ آذرماه ۱۳۹۸



فریدون عباسی، بعد از دوران جنگ دکتری فیزیک هسته‌ای را از دانشگاه شهید بهشتی دریافت کرد. عباسی صبح همان روزی که شهید شهرداری ترور شد، هدف سوء قصد قرار گرفت. این ترور در میدان دانشجوی تهران و در نزدیکی دانشگاه شهید بهشتی رخ داد که به مجروحیت او انجامید. به گفته خود عباسی، درحالی که مشغول رانندگی بوده، متوجه نصب بمب توسط یک موتورسوار روی در ماشین شد و بلافاصله از خودروی درحال حرکت بیرون پرید، که در پی آن از این ترور جان سالم به‌در برد.

بعد از شهادت مصطفی احمدی روشن بود که سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در گفت‌وگویی با نشر به ایندپندنت اعلام کرد: «ما به خاطر این قتل اشکی نمی‌ریزیم!» در این بخش به سراغ دانشمندان هسته‌ای رقتیم که توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند و بعد از شهادت‌شان، به طور رسمی از طرف این رژیم غاصب اعلام شد که این توره‌ها کار آنها بوده است.

مسعود علی محمدی

تاریخ شهادت: ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸



علی محمدی استاد فیزیک دانشگاه تهران بود. او با سازمان انرژی اتمی هم ارتباط داشت و صبح روز ۲۲ دی ماه سال ۱۳۸۸ وقتی از خانه‌اش بیرون آمد، بمبی که به درخت روبه‌روی خانه بسته شده بود منفجر شد و به شهادت رسید.

داریوش رضایی نژاد

تاریخ شهادت: ۱ مردادماه ۱۳۹۰



رضایی نژاد دانشجوی دکتری مهندسی برق دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی بود. او روز ترور مقابل منزلش مورد هدف قرار گرفت و با شلیک چند گلوله به گردن و دستش به شهادت رسید. همسر او شهروید پیرانی می‌گوید هیچ‌وقت آن صحنه از ذهنش پاک نشده و همواره به یاد روزی است که همسرش را از دست داده است.

چرا باید زندگی شهدای هسته‌ای را بسازیم؟

است. در مورد این کار، گروه نویسندگان ما سه سال روی فیلمنامه تحقیق انجام می‌دادند و از همان موقع جدیت ما در تولید و ریزینی برای اجرای کار برای‌مان روشن می‌کرد که با موضوعی طرف هستیم که فارغ از هر چیزی که وجود دارد، در حد توان‌مان بالاترین کیفیت را داشته باشد. قاعدتا این تولید هرچه باشد، روی شخصیت شهید شهرداری اثری نمی‌گذارد، چون جایگاه علمی‌شان آن قدر مشخص است که نیازی به تعاریف ما ندارد. اما تیم تولید این سریال برای‌شان مهم بود که فارغ از اینکه کار در چه رسانه‌ای تولید می‌شود، با کیفیت باشد و امیدوارم این سریال به لحاظ کیفی مطلوب و متوسط روبه‌بالا باشد.»

اگر به بیوگرافی اکتفا شود، کار قابل قبول نیست

علمی‌فرد یک موضوع مهم برای کیفیت بخشی در این مدل سریال‌ها را انجام تحقیق‌های درست قبل از کلید زدن کار می‌داند و می‌گوید: «در ساخت این سریال‌ها که بیوگرافی مدنظر قرار می‌گیرد، کار بسیار سخت است. کسی از دور که نگاه می‌کند، می‌گوید خوب کاری ندارد، قرار است یک زندگینامه ساخته شود و زندگی این شهید روایت شود، این شهید هم مثل شهدای دیگر یک زندگی روتین و یک سری فعالیت‌ها را با توجه به شغلش داشته و در نهایت هم با توجه به اینکه ترور شدند، این ترور نقطه عطف ماجرا می‌شود. زمانی که کار را شروع کردیم، تحقیق‌های زیادی انجام شده بود و چند مستند ساخته و چند کتاب هم نوشته شده بود، اما مهم‌تر از همه اینها مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهایی بود که در مورد این شهید داشتیم؛ او در زندگی شخصی‌اش ملاحظاتی داشته که لازم نبوده در آن زمان مردم بدانند، اما بعد از مصاحبه و گزارش‌هایی که گرفتیم، به نتایج جالبی رسیدیم.»

مساله مهم بودجه

این تهیه‌کننده موضوع بودجه برای این سریال‌ها را مهم می‌داند و می‌گوید: «مطمئناً باید برای موضوعات مهمی که برای کشورمان حیاتی هستند، بودجه مناسب در نظر گرفته شود. بودجه‌ای که در معاونت استان‌ها برای سریال‌ها اختصاص داده می‌شود، بعضاً نصف بودجه سریال‌های معاونت سیما هم نیست. ما هم در این پروژه مستثنی نبودیم. اگر بودجه ما هم با سریال‌های معمول تلویزیون برابری می‌کرد، در انتخاب یک سری از عوامل پروژه و کاراکترها دست‌مان بازتر بود. البته انتخاب بازیگرانی هم که الان صورت گرفته، درست و بجا بود، ولی بودجه برای ساخت این مدل سریال‌ها بسیار مهم است.»

برای گفتن از قهرمانان ملی و اینکه آنها را به مردم معرفی کنیم، بهترین راه، ساخت سریال و فیلم سینمایی است. درست است که گفتن از قهرمانان ملی فقط منحصر به ساخت فیلم و سریال نیست و با نوشتن کتاب هم ممکن است این اتفاق بیفتد، اما مطمئناً تأثیری که سریال و فیلم دارد و می‌تواند مردم را همراه کند، رسانه‌ای مثل کتاب ندارد. در صفحه امروز به سراغ سریال «صبح آخرین روز» رفتیم؛ سریالی که چند شب است از شبکه ۲ سیما درحال پخش است و با موضوع داستان زندگی شهید مجید شهرداری در ۴۰ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای در صداوسیما مرکز زنجان به سفارش مرکز سیما استان‌ها تولید شده. داستان از صبح روز ترور شهید مجید شهرداری آغاز می‌شود و به گذشته برمی‌گردد و ۴۶ سال زندگی او را روایت می‌کند.

مصطفی علمی‌فرد، تهیه‌کننده این سریال معتقد است اگر همراهی همسر و مادر شهید شهرداری نبود، این سریال ساخته نمی‌شد. از چرایی ساخت این سریال و انتخاب شهید شهرداری می‌پرسم و می‌گوید: «این کار در معاونت استان‌های سازمان ساخته شده است. یکی از رسالت‌های معاونت استان‌ها، پرداختن به موضوعات ملی مرتبط با آن استان است. شهید شهرداری هم چون اصالتاً زنجانی هستند، برای معاونت استانی در زنجان این تصمیم را گرفت که این انگیزه را برای ساخت این اثر فراهم کند. فارغ از این بحث‌ها، شهید شهرداری در زمره شهدای هسته‌ای هستند و همه اینها باعث شد تا مورد توجه ما قرار بگیرند که بتوانیم یک اثر فاخر را تولید کنیم.»

شرایط امروز نتیجه‌اش ساخت این سریال شد

علمی‌فرد یک موضوع مهم را در ساخت این سریال‌ها، شرایط جامعه می‌داند و می‌گوید: «الآن در جامعه ما مسائلی وجود دارد که گفتن از دانشمندان هسته‌ای یک کار مهم و واجب است. کمبود چنین سریال‌هایی بسیار در تلویزیون احساس می‌شود، چون واجب است با توجه به اتفاق‌هایی که این روزها در فلسطین می‌افتد، ما از جنایت‌های این رژیم بیشتر بگوییم تا مردم بدانند.»

۳ سال تحقیق برای ساخت سریال

این تهیه‌کننده در مورد کیفیت این مدل سریال‌ها که باید از استانداردهای لازم برخوردار باشند، گفت: «به‌نظم معمولاً یک اثر تلویزیونی با محتوای کار یک رابطه مستقیم دارد. شما وقتی کاری با موضوع مهمی مثل این شهید در دست اقدام دارید، قاعدتاً با یک سری کارهای ملودرام معمولی که زاید تخیل هستند متفاوت

موقعیت‌هایی که از دست می‌دهیم

ایران نمی‌کشیم، فردا اسرائیل و همه مردمش در خطر قرار می‌گرفتند؛ یعنی خیلی راحت کارهایشان را توجیه می‌کنند.» او در ادامه، ساخت فیلم و سریال برای شهدای هسته‌ای را مهم می‌داند و می‌گوید: «ما موقعیت‌های زیادی برای ساخت سریال با موضوع هسته‌ای داریم. از فیلم‌های سینمایی چیزی نمی‌گوییم، چون ساخت آنها متفاوت است، اما در مورد سریال باید بگوییم مردم ما داشتن قهرمان را دوست دارند و همیشه برای‌شان این مهم بوده است که قهرمان‌هایشان را بشناسند. درست است که ما بارها اسم این شهدا را شنیده‌ایم و خیلی هم در موردشان صحبت کرده‌ایم، اما ساخت فیلم و سریال متفاوت است. ما فقط یک بعد زندگی این شهدا را می‌دانیم و حتی این بعد دانشمند هسته‌ای بودن هم خیلی مشخص نیست، درحالی که اهداف مدنظر این شهدا، آن قدر بزرگ بوده است که حاضر بودند برای وطن جان‌شان را بدهند. گفتن از این اهداف با زبانی که شعاری نباشد، خیلی می‌تواند به شناخت مردم و مهم‌تر از همه آشنا شدن آنها با جنایت‌های این رژیم کمک کند.»

ساخت سریال برای نشان دادن جنایت‌های رژیم صهیونیستی

دانشمند از کجا به کجا رسیده است و آنها چطور می‌خواهند جلوی فعالیت‌های علمی ما گرفته شود.» این کارگردان در پاسخ به سوال دیگری در مورد وجوه پررنگ زندگی شهید شهرداری که باید برای مخاطب گفته شود، می‌گوید: «من در روند تحقیق‌هایی که برای این سریال انجام شد قرار داشتیم و در همین روند از ایشان شناخت بسیاری پیدا کردم. شهید شهرداری زندگی پرفراز و نشیبی داشتند، فارغ از سیاست بودند و بیشتر به مسائل علمی علاقه داشتند و حتی به نوعی در زندگی‌شان مسائل علمی بروز زیادی داشت. این وجه شخصیتی ایشان که علاقه به علم و پیشرفت کشور بود، برای من خیلی مهم و جذاب بود. همین نشان می‌دهد اگر ما این وجوه‌ها را پررنگ کنیم، می‌توانیم برای مردم خیلی از مسائل را روشن کنیم و مهم‌تر از همه اینکه نشان دهیم رژیم صهیونیستی چه جنایت‌هایی انجام داده است.»

تیریزی تأثیر ساخت زندگی دانشمندان هسته‌ای از طریق فیلم و سریال را مهم می‌داند و می‌گوید: «طبعاً زبان نمایش و تصویر همیشه این ویژگی را داشته و مردم دوست دارند قصه بشنوند، قصه ببینند و باور کنند. چه‌بسا برخی قصه‌ها واقعی است؛ مثل زندگی شهید شهرداری که پرفراز و نشیب بوده است و ما این قصه پرفراز و نشیب را از یک سال قبل از تولد شهید شهرداری در سال ۴۵ تا زمان شهادتش به تصویر می‌کشیم. ابزاری مثل فیلم و سریال به ما این امکان را می‌دهد که ابعاد دیگری از وجوه شخصیتی را نمایش دهیم. شاید در قالب مستند بتوانیم برخی اتفاقات را روایت کنیم، ولی در سریال به یک شخصیت جان می‌دهیم و ملموس‌تر می‌شود. در پایان باید بگوییم که ترور امثال شهید شهرداری و شهید فخری زاده شاید باعث توقف موقتی شود، اما دانشمندان داریم که همین الان درحال تدریس در دانشگاه‌ها هستند و راه را ادامه می‌دهند.»

زمانی که حاتمی کیبا بادیگارد را ساخت، خیلی‌ها می‌گفتند دیگر رسالت برای ساخت فیلم سینمایی با موضوع شهدای هسته‌ای به پایان رسیده و دیگر لازم نیست ما سریال یا فیلمی بسازیم. اما وقتی به سابقه شهدای هسته‌ای که توسط رژیم صهیونیستی در کشور ترور شدند، نگاهی می‌اندازیم، متوجه می‌شویم زندگی هر کدام آنقدر نقاط روشن و دراماتیک برای پرداخت دارد که قابل شمارش نیست. علی احمدی قراهانی، کارشناس حوزه رسانه که سال‌ها است روی مسائل رسانه‌ای رژیم صهیونیستی تحقیق کرده، در مورد کارهای رسانه‌ای و پروپاگاندايي که این رژیم برای فعالیت‌هایش در نظر می‌گیرد، می‌گوید: «آنها قبل از انجام دادن هر کاری، ابتدا به این فکر می‌کنند که چطور آن را برای جهان توجیه کنند. بعد از شهادت شهید احمدی روشن بود که یک روزنامه اسرائیلی به این موضوع پرداخت که چرا باید ما به یک کشور دیگر برویم و یک آدم را ترور کنیم. آن قدر آن روزنامه و مدیرمسئولش تحت فشار قرار گرفتند که سریع حرف‌شان را عوض کردند و در سرمقاله فردای آن روز به این موضوع پرداختند که اگر این آدم را در

سریال «صبح آخرین روز» اولین سریالی است که در مورد یک شهید هسته‌ای ساخته می‌شود و با وجود گذشت چندسال از شهادت‌شان، این موضوع نشان از کم‌کاری در این حوزه است که چرا تا به حال سریالی در مورد زندگی این شهید ساخته نشده و در نهایت سریالی توسط معاونت استان‌ها ساخته شده است. حسین تبریزی، کارگردان سریال شهید مجید شهرداری معتقد است باید از شهدای هسته‌ای آن قدر گفت و فیلم ساخت تا همه دنیا بدانند که اسرائیل چه جنایت‌هایی انجام داده است.

تیریزی در مورد انتخاب شهید شهرداری برای ساخت سریال می‌گوید: «بعد از پیشنهادی که به من برای ساخت این سریال شد، نگاهم به فیلمنامه بود که بالاخره با یک بیوگرافی متفاوت روبه‌رو بودم. همین تفاوت باعث شد برای ساخت این سریال ترغیب شوم. من تا قبل از اینکه بخواهم سریالی درباره شهید شهرداری بسازم، شاید فکر می‌کردم او یک سیاستمدار بوده و اهدافی هم داشته است، ولی وقتی وارد زندگی این افراد می‌شوید، وجوه علمی و معصومیت و مظلومیت آن برای‌تان پررنگ می‌شود و این سوال ایجاد می‌شود که چنین شخصیتی چرا باید ترور شود. این شهید، شخصیتی است که در مدارج علمی بالا می‌رود و به نقطه‌ای می‌رسد که نشان می‌دهد تنها فردی است که مسائل سخت‌اتمی را حل می‌کند و کسی که به این درجه می‌رسد، قطعاً از ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاصی برخوردار است.»

تیریزی در پاسخ به سوالی در مورد اینکه رژیم صهیونیستی خیلی راحت از موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای صحبت می‌کند و این مساله را می‌پذیرد، می‌گوید: «این موضوع درست است و اسرائیلی‌ها بارها گفته‌اند که اینها دانشمند نبودند و هر اتهامی که خواستند، می‌زنند، اما هدف ما از ساخت این سریال این بود که نشان دهیم و بگوییم این شهیدانی که ترور شدند، از درجات بالایی علمی برخوردار بودند. می‌خواستیم نشان دهیم که یک